

۲۹

# شکستگان

ارگان نشراتی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری  
سال سوم، شماره بیست و نهم، ماه دیو ۱۳۹۴

تاریخی، فرهنگی، علمی، ادبی و هنری









انسان از گذشته هایش می آموزد، تجربه حاصل نموده و برای فردا و یا آینده اش تصمیم میگیرد، تا چیزهای جدید را به دیگران عرضه نماید، تاریخ خودش بازانعکاسی است از گذشته، چه خوب و چه بد، واقعاً برای خوبی ها علاقمندی و دلچسپی نشان داده می شود و برای بدی ها طرفه رفتن ها و پند گرفتن هارامی آموزد.

درست است بعضی ها از تواریخ گذشته به عینک نفرت و انزجار می بینند، اما اگر عمیقاً مطالعه نموده و تاریخ خودبادیگران را بمقایسه بگیریم یقیناً در می یابیم که از گذشته درخشانی نسبت به امروز برخوردار بوده ایم، نباید آب را نادیده پای مانرا آموزه بکشیم، باید مقایسه ی خوبی از تمام تاریخ و سرنوشت جهانیان داشته و بعد روی مطالعه مان مکت نموده به قضاوت بنشینیم.

مطالعه تاریخ همانند علوم طبیعی و اجتماعی از ویژگی های خاصی برخوردار است و به انسان می آموزد که در راستای زندگی خود چه باید کرد تا برای آیندگان کشور مثمر تر شود، همان گونه که علوم بشری بالای تاریخ تأکید می کند قرآن و پیروان راستین قرآن هم روی تاریخ مکت قابل ملاحظه دارد و برگزشتگان در سوره های متعددی تذکرات زیبایی دارد، چنانچه قرآن کریم برای سرگذشت پیشینیان و بررسی آن، اهمیت فراوانی قایل شده و علاوه بر آیات فراوانی که در شرح حال آنها دارد، سوره هایی هم به اسم امت های سابق یا شخصیت های برجسته تاریخ نامگذاری شده است مثل: آل عمران، یونس، هود، یوسف، ابراهیم، مریم، بنی اسرائیل، لقمان، انبیا، نوح که اینها همه تاریخ اند و در آن از خوبی ها، زشتی ها و کرشتی ها به تفصیل بحث شده است.

بهمین منوال ما امروز روایاتی از تاریخ های گذشته گان مانرا مطالعه و برای اطلاع دیگران دوباره نویسی می کنیم تا بدانند زندگی دیروزی ها چگونه گذشته، امروز به چه منوالی سپری کنیم تا فردا دیگران بروفق آن خود را عیار نموده بهتر از ما و دیگران که قبل از ما بوده اند زندگی شانرا محک بزنند.

بینش تاریخی فراگیر است و همگان باید در این امر شرکت داده شوند و هیچ ملتی نباید از تاریخ خود بی خبر باشد. زیرا بخش اعظمی از حیات معنوی، اجتماعی و سیاسی ما مسلمانان بر تاریخ گذشتگان استوار است و اکنون بر زینه های در حرکتیم که پله های آن را پیشینیان ساخته اند در حدی که اگر انسان، گذشته خود را فراموش کند سر از نیستی بیرون می آورد:

سرگذشت او اگر یادش رود

باز اندر نیستی گم می شود

بدین جهت است که رهبران دینی و شخصیت های برجسته اسلامی مشرق زمین در سخنرانیها، پیامها و بیانیه های سیاسی خود، مردم را به گذشته خود توجه می دادند و توصیه می کردند که مسلمانان و مشرق زمین باید گذشته خود را باز یابند و عظمت پیشین خود را به فراموشی نسپارند.



# اهمیت تاریخ و تاریخ نگاری

سید محمدرقیق نادم

## غوری ها از ذره بین تاریخ نگاران قدیم و حال

برای دانشمندان، اهل قلم و مطالعه کنندگان پوشیده نیست که از زمانه های قدیم تاریخ نگاری از مقام ارجمندی برخوردار بوده، این نقش آفرینان همیشه اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، ادبی، اقتصادی و رویداد های عظیم اکثر کشور ها را نوشته اند، حتی در بیان نسب و نژاد برخی سلاطین، قهرمانان و بعضی از جوامع را به عنوان ماندگاروسند تاریخی نیز همت بخرج داده اند تا برای نسلهای کنونی و آینده مؤخذومرجع خوب معلوماتی بوده باشد که از هر حیث قابل قدر است.

بعد از بوجود آمدن قدرت های بزرگ در جهان، تأسیس امپراطوری ها و نظام های متفاوت باخصلت های گوناگون عرض اندام کرد از میانه امپراطوری غوری هادرخشنده ترودارای مقام عالی تر بود، رشد دادن علم و فرهنگ، پرورش علما، دانشمندان شعرا، اهل تصوف و عرفان، هنرمندان و نشر دین اسلام را از افتخارات خود میدانستند، اعماراماکن تاریخی زمینه های ماندگار انجام کار های انتفاعی جزء مباحات شان بود، اما به مرور زمان یادآوری از دست آورد های این دوره ی پر عظمت پا به عرصه فراموشی گذاشت تا جائیکه مردم افغانستان از شناخت غوربیگانه شدند، که بسیار تأسف آوراست، برای احیای هویت تاریخی و معرفی میراث های فرهنگی امپراطوری غوری ها، عده ی از روشنفکران غوری و غوری تبارهای بعضی ولایات «بنیاد فرهنگی جهانداران غوری» را ایجاد نمودند تا بار دیگر هویت و افتخارات سلاطین غور در سطح ملی و بین المللی مطابق اهداف و استراتژی خویشتن معرفی نمایند.

معرفی درست و صحیح و همه جانبه مستلزم یک سلسله اسناد و کتب تاریخی می باشد، کتب متعارف کنونی در معرفی امپراطوری غوری ها کافی نیست، ما به نام کتاب های زیادی آشنا می باشیم، ولی در دست نداریم، صمیمانه از دانشمندان و فرهنگیان ولایت غورد داخل و خارج کشور و دیگر فرهنگیان افغانستان صمیمانه خواهشمندیم مارا در پیدایش کتب مورد ضرورت و با آدرس آنها را در مرکز (بنیاد) کابل، نمایندگی های آن در حوزه غرب کشور هرات و ولایات بادغیس و فاریاب معلومات ارائه نمایند.

کتب مورد نظر مان بدو دسته تقسیم می شوند، کتب که در زمانه های قدیم نوشته شده و کتب که در زمانه های اخیر نشر و پخش گردیده است. در دسته ی کتب سابقه و حالیه نام تاریخ نگار، مقوله نویس، نام کتاب، سال انتشارات نوشته می شود.

### الف - دسته قدیم

۱. ابواسحق ابراهیم بن محمد اسطخری - نام کتاب (مسالك والممالك) سال نشر ۳۲۲ هـ ق
۲. ابوالقاسم محمد بن حوقل عرب - نام کتاب ۱- صورت الارض ۲- حدود العالم سال نشر ۳۴۰ هـ ق حدود العالم از یک طرف موقعیت جغرافیای غور را تعیین می نماید، از جانب دیگر پیدآوار آنرا شرح میدهد، استفاده زیاد از این اثر در شناخت مناطق غور و همجوار آن محققین را کمک می کند.



۲۰- حمدالله مستوفی قزوینی . نام کتاب (برگزیده) سال نشر ۶۸۰ در این اثر تاریخ سیاسی غوریان و بسا مسایل دیگررا بشمول غلامان سلطان شهاب الدین غوری و حکم روایی آنان درهندتوضیح داده است.

۲۱- علاالدین عطا ملک بن محمد جوینی. نام کتاب (تاریخ جهان گشا) سال چاپ ۶۵۹ در اثر متذکره راجع به روابط غوریان و خوارزم شاهیان، بدون کم و کاست نوشته شده.

۲۲- سیف الدین محمد بن یعقوب . نام کتاب (تاریخ نامه هرات) وی بعد از سال ۷۱۸ به کمک حکیم سعیدالدین منجم غوری که او را استاد میخواند، بدربارملک فخرالدین کرت غوری راه یافت و این کتاببه فرمان ملک غیاث الدین کرت غوری تألیف شد. ملک غیاث الدین نه فقط موضوع کتاب، بلکه سبک و طرز تدوین آنرا نیز معین نمود، تأکید کرد که در ضبط تاریخ وقایع نهایت دقت بعمل آید تا یک تاریخ بسیار صحیح از هر حیث قابل اعتماد تهیه شود.

۲۳- محمد بن خاوند شاه متخلص به میرخواند. نام کتاب (روضه الصفا) سال نشر ۹۰۴میرخواند جلد چهارم این اثر خود رابه غوریان اختصاص داده و این دودمان را از اوایل حکمروایی محلی تا به تأسیس حکومت مستقل و سقوط آن، مفصلاً معلومات داده.

۲۴- خواند میر دیگر نام وی غیاث الدین حسین است و نواده میر خواند می باشد، نام کتاب ( حبیب السیر) و مرکب از سه جلد است موصوف بخش دوم از اثر خویش رابه غوریان اختصاص داده است.

۲۵- معین محمد زمجی اسفزاری. نام کتاب ( روضه الجنات فی اوصاف مدینته الهرات) سال نشر ۸۷۵ وی راجع به هنر معماری غوریان بخصوص مسجد جامع هرات و دیگر مساجد اعمار شده ی این دودمان معلومات مفصل ارائه کرده است.

۲۶- بارتولد از خانواده المانی روسی شده. نام کتاب ( ترکستان نامه)

۲۷- زام باور. نام کتاب ( نسب نامه) وی نسب غوریان یا شنسبانیان را از سال ۵۳ هجری قمری الی سال ۴۹۳ هجری قمری شروع از شنسب جد اعلی غوریان بیان میدارد، مرکز قدرت، سال جلوس و وفات هریک را بیان میدارد.

۲۸- همین زام باور، کتاب دیگری بنام (شجرت النسب) تحریر نموده درین شجره ذکر شاهان بامیان، فیروز کوه و غزنین را مفصلاً بیان نموده است.

۲۹- باز همین زامباور کتاب نوشته تحت عنوان ( شجره النسب سلاطین دهلی) از سلطان معزالدین محمد بن سام غوری و از سلاطین دهلی که همان غلامان غوریان بوده معلومات میدهد. اثر متذکره را محمد جوادشکور ترجمه و در سال ۱۳۹۶ منشر ساخت.

ادامه دارد.....

۳. محمد بن نجیب بکران نام کتاب (جهان نامه) سال نشر آن ۵۱۷ هـ ق از این اثر در بخش رود های غور و خراسان معلومات بدست می آید سرچشمه ریزشگاه رودخانه های غور را بخوبی واضح می کند.

۴- نورالدین علی بن محمود بن محمد. نام کتاب (تقویم البلدان) سال انتشار ۷۳۲ هـ ق

۵- حمدالله مستوفی بن ابی بکر محمد بن نصر قزوینی. نام کتاب (نزّهت القلوب) سال نشر ۷۴۱ هـ ق

۶- حافظ ابوشهاب الدین عبدالله. نام کتاب (ربع خراسان) سال نشر ۷۴۱ هـ ق؛ این اثر برای نشان دادن مرکز سیاسی و فرهنگی غوریان (فیروز کوه) بسیار مفید می باشد.

۷- ابویوسف یقوب الکوفی. نام کتاب (کتاب الخراج) سال نشر ۱۷۰ هـ ق

۸- ابوجعفر محمد بن جریر طبری عرب. نام کتاب ( تاریخ الرسول والملوک) سال نشر ۲۲۴ هـ ق

۹- ابوالحسن الهمیم حمد ناجی

۱۰- منتخب تاریخ ناصری که یکی از اکابر غزنی در عهد سلطان معزالدین محمد سام نوشته است.

۱۱- امام محمد بن علی ابوالقاسم عمادی. نام کتاب ( مجددل)

۱۲- فخرالدین مبارک شاه. نام کتاب ( سام نامه) در این اثر نسب سلاطین غوریه نظم نوشته شده است.

۱۳- محمد العتبی . نام کتاب ( الیمینی) سال نشر ۳۵۰ هـ ق

۱۴- عزالدین علی بن محمد بن الاثیر عرب. نام کتاب ( الکامل فی التاریخ) سال نشر ۵۵۵ هـ ق

۱۵- عبدالحی گردیزی. نام کتاب ( زین الاخبار) سال نشر ۴۴۲ هـ ش

۱۶- خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی. نام کتاب ( بیحقی در سی مجلد) سال نشر ۳۸۵ هجری

۱۷- ابوالحسن نظام الدین احمد بن عمر سمر قندی. نام کتاب ( چهارمقاله ) معروف به نظام عروضی وی در خدمت ملوک غوری آل شنسب بسر می برده.

۱۸- مبارک شاه معروف به فخر مدبر. نام کتابها (آداب الحرب والشجاعه و آداب الملوک و کفایت الملوک) می باشد هر کدام به سالهای معین چاپ و نشر شده است، یکی در سال ۶۲۶ هجری

۱۹- محمد قاسم هندوشاه متخلص به فرشته. نام کتاب ( تاریخ فرشته) سال نشر ۱۰۲۰ شمسی



انتقاد معنایش چیست؟ انتقاد اگر معنایش عیبجویی است، نه خیلی هنر میخواید، نه خیلی اطلاعات می خواهید، بلکه انسان بی اطلاع، بهتر هم میتواند انتقاد کند... در معنی انتقاد چیزی اصلاً به معنی عیبجویی نیست. شما بنشینید از من عیب جویی کنید، و من از شما؛ چه فایده ای دارد؟ نقد، یعنی عیار سنجی، یعنی یک چیز خوب را ببینید که خوب است و یک چیز بد را ببینید که بد است. اگر این شد، آن وقت نقاط خوب را که دیدید، با نقاط بد جمع بندی می کنید، آنگاه باید دید چه حاصل میشود.

مدیریت ماهنامه

انتقادی یک کلمه عربی از باب انفعال است، فرهنگ داکتر محمد معین آنرا به قرار آتی معنا نموده است: سره کردن، نقد گرفتن پول (غم) جدا کردن (خوب از بد یا گاه از گندم و مانند آن)، خرده گرفتن، از نظر ادبیات شرح معایب و محاسن شعر یا مقاله یا کتابی، یا سنجش اثر ادبی، هنری، بر معیار یا عمل تثبیت شده. کم و کاست ها، نواقص و ناجوری هارا یافتن، جدی گرفتن، بر آنها انگشت گذاشتن، مورد سرزنش قرار دادن و توجه برای رفع اصلاح آنها کردن انتقاد است، که گاهی بردیگران و گاهی بر خود وارد میگردد.

زویا و نکات مهم در یک سخن یا نوشتار یا رفتار، آنچه که معمولاً از کلمه انتقاد کردن رایج است، بیشتر به معنای نقاط ضعف عیب یک موضوع را بیان کردن است، به طور کلی نویسندگان و اهل قلم نقد و انتقاد را به سه صورت تعبیر کرده اند:

۱- بیان نقاط قوت، خوب و زیبای یک موضوع و پرداختن به اشکالات و معایب آن.

۲- بیان نقاط ضعف، بد و زشت یک موضوع بدون پرداختن به محاسن و جنبه های مثبت آن.

۳- بیان نقاط قوت و ضعف یک موضوع به قصد اصلاح اشکالات و معایب آن

انتقاد، انتقاد از خود و انتقاد پذیری، ارزش خیلی مهم و انسانی است که جریان اصلاح و تکامل را میسر می سازد، این ارزش، ویژه انسانهای آگاه، ژرف نگر، عادل، واقع بین، فعال جدی، شجاع و آشتی ناپذیر با ناجوری هاست که مایل و معتقد به تأثیر گذاری بر زندگی، تغییر، اصلاح و بهتر شدن انسان اند.

منتقد قبل از همه باید خود توجه کند و ظرف خود را برای انتقاد سزاوار آماده سازد، تنها کسانی که پاکیزه متعهد، وفادار به ارزشهای انسانی و خیر، خوبی و نیکی اندونیز در مسئله مورد انتقاد، آشنایی، صلاحیت و مهارت دارند،

بهمین منوال انتقاد عبارت است از انتقال اطلاعات به دیگران به نحوی که افراد مورد انتقاد بتوانند آن را در جهت مصالح خود به کار برند. کلمه انتقاد از ریشه نقد کردن و در فارسی دری معادل آشکار و پدیدار کردن است در اصطلاح این کلمه چندین کاربرد دارد، معنای مشهور و متداول آن در بین عامه مردم ایراد و اشکال گرفتن به گفتار و رفتار دیگران.

مردم معمولاً تمایل دارند انتقاد را به شکل منفی به کار برند و تعبیر و تفسیر کنند و یا به دلیل منفی بودنش از انتقاد کردن خود داری نمایند.

اگر چند نفر را به طور اتفاقی انتخاب کنید و از آنان بپرسید «معنی انتقاد چیست؟» به احتمال زیاد خواهند گفت: «انتقاد اظهار نظری است مخرب، تحقیرکننده یا خصومت آمیز که هدفش عیبجویی است. در انتقادهای متداول، انتقاد کننده معمولاً به شکلی غیرمنصفانه فقط روی نقاط ضعف انگشت می گذارد.»

انتقاد، امری پیچیده، مهم و ضروری است، باید به یاد داشت که هیچ شغلی، از انتقاد معاف نیست، انتقاد در کار، وجه مشترک همه ما است که نتایج مطلوب تر را به همراه دارد، انتقاد وسیله ای است برای انگیزش، آموختن توسعه، آموزش و ایجاد روابطی قوی، تبادل اطلاعات، تأثیر گذاشتن و برانگیختن.

اما در معنای علمی انتقاد، یعنی آشکار کردن و بازگو کردن

کم و کاست و نواقص امرطبعی است، از همین سبب با کاوش خود به معایب و کمبود ها و ناجوری های خود می رسند و دست می یابند و بارفع آنها خود را تکمیل می کنند.

شایدگاهی انتقاداز درب بدبینی، عیب جویی، کدورت و دشمنی وارد گردد؛ ولی اگر موجه و واقعینانه است بجای واکنش منفی باید به آن توجه شود و کم و کاست طرف انتقاد اصلاح ورقع گردد، قدرت، ثروت، مقام منزلت شهرت، احساسات، عواطف و روابط بیشتر مانع از انتقاد میگردند که قطعاً به خیر نیست، بهتر است انسان خودش بسراغ خود برود و ببیند که چه مقداری دارد و واقعیت خود را حساب کند، زیرا مغرضان چاپلوسان و مداحان با اهداف و مقاصد پنهانی و نامشروع، همواره در کمین انسان اند، تا تندیس مقدس از او درست کرده و نیات شوم خود را برآورده سازند، انسانی که از توانایی، انتقاد برخوردار است، کمتر مورد استفاده سئو قرار گرفته آسیب می پذیرد، انتقاد پذیری نشانه بزرگی، شجاعت و توانایی است که پیوسته انسانرا بهتر و راحت ترمی سازد.

مهمترین هدف در نقد و انتقاد اصلاح کردن است انتقاد زمانی ارزش دارد که بوسیله آن بتوانیم گفتار و رفتار کسی را اصلاح کنیم. انتقاد شنیدن ذاتاً تلخ و گزنده است و مانند داروی تلخی است که به مذاق شخص ناگوار و از طرف دیگر لازم و ضروری است. از زاویه دیگر انتقاد کردن آسان و انتقاد شنیدن سخت است، ولی اگر دقت کنیم انتقاد صحیح کردن نیز سخت است و نیاز به مهارتهای خاصی دارد که اگر افراد این مهارتها را ندانند، عملاً انتقاد آنها نه تنها اثر سازنده ندارد، بلکه باعث موضع گرفتن، کینه و دشمنی بین افراد میشود.

منابع:

زن روز

دکتر بهزاد مرتضایی عضو هیات علمی دانشگاههای تهران  
محمد رسول جهان بین؛ کی ها انسانهای بهتر اند

حق انتقاد بر دیگران را بدست آورده اند زیرا انتقاد وقتی جذاب و مؤثر است که از بستر و آدرس حق، انصاف و خیر برخیزد، برای ناجوری ها بنشیند، انتقاد در واقع شلاقیست در دست انسان که خود پایبند انسانیت و برخوردار از ظرف بهتر است، در جای که انتقاد انتقاد از خود و انتقاد پذیری کم رنگ است انسانش هنوز حق آزادی خود را ثابت نکرده است و نیز قادر نیست برای بهتر شدن خود فکر و فعالیت کند.

انتقاد درست مانند عمل جراحی است که می آزارد ولی صحت و سلامت را در قبال دارد، مشروط بر اینکه جراح در کار خود ماهر باشد بیمار را برای عمل آماده کند و بتواند کار خود را درست انجام دهد، کسانی که از خود انتقاد، انتقاد از خود و انتقاد پذیری میگیرند یا از خود راضی و خودکامه اند و یا هنوز به این ارزش انسانی توجه ندارند و آنرا به عنوان ارزش مهم انسانی نپذیرفته اند، دست آورد های بزرگ بشریت، بیشترین محصول انتقاد، انتقاد از خود و انتقاد پذیری است، متأسفانه امروزه آنهایی که از موضع قدرت ثروت سود سرمایه خود را به نمایش گذاشته اند، انتقاد انتقاد از خود و انتقاد پذیری را دست کم میگیرند و پیوسته راه ناجور و ناقص را می روند.

با درود دریغ که بسیاری از کم و کاست ها و در دو مصیبت بشریت، ناشی از عدم انتقاد، انتقاد از خود و انتقاد پذیری است، بیشترین انتقاد را با سکوت استقبال می کنند ولی برای رفع آن و اصلاح امور، توجه بخرج نمیدهند که این خود نشانه ی پررویی، بی حیایی و عدم تمایل به بهتر شدن است، انسانهایی که با انتقاد سازگارند در واقع دروازه پیشرفت و دست یافتن به تعالی و تکامل را به روی خود گشوده اند.

هر کسی هرکاری را که انجام میدهد، برایش خوب می نماید، ولی انتقادی که از ذهن، ضمیر و چشم بصیرت و موشگاف برمی خیزد نشان میدهد که کدام کار خوب و کدام کار بد است و در کدام کار چه نواقصی وجود دارد و چه باید کرد؟ کسانی که از انتقاد ناراحت می شوند تیشه به ریشه ی خود میزنند و همواره گمراه می مانند، انتقاد از خود نشانه تعالی انسان است، انسان بزرگ و توانا، بیشتر با انتقاد از خود بزرگ و توانا شده اند، انتقاد از خود به انسان امکان میدهد تا خود را بکاود، نواقصش را بیابد و رفع کند، انسانهای این چنینی از تواضع برخوردارند و میدانند که در جریان فکر و فعالیت



# بمناسبت هفدهمین سال وفات زنده یاد استاد محمد سعید مشعل غوری

محمد نظر حزین یار



**استاد محمد سعید مشعل فرزند حاجی محمود خان غوری که در سال ۱۲۹۰ در قریه زیبای نیلی ولسوالی تیوره پا به عرصه حیات گذاشت و بدامان پدر هنرپرورش با برادرش محمد نسیم پروانه پرورش یافت علوم متداوله نزدکاکای شان و استادان محلی فراگرفتند**

بلی استاد محمد سعید مشعل فرزند حاجی محمود خان غوری که در سال ۱۲۹۰ در قریه زیبای نیلی ولسوالی تیوره پا به عرصه حیات گذاشت و بدامان پدر هنرپرورش با برادرش محمد نسیم پروانه پرورش یافت، علوم متداوله نزدکاکای شان و استادان محلی فراگرفتند مشعل در سال ۱۳۲۰ هـ ش به هرات آمد و در هرات اسکان پذیر شد در همین آوان در پی تکمیل هنرش کوشید و با استادان و شاگردان زیادی در تماس بود، به قول معروف هنرش چنان گل نمود که گوی سبقت را از همه همطرازانش ربود.

خیلی از جوانان در اطرافش صف بسته و خواهان راهنمایی هایش شدند، دولت وقت استعداد خدادادی مشعل را عمیقاً درک نموده و او را به سمت رئیس (بلده) شاروالی برگزیدند استاد امور شاروالی وقت را طوری تنظیم نمود که در زمان مدیریتش هیچ شکایتی از نرخ بازار و کثافات شهری بگوش کسی نرسید، هرات خانه همه وزبایی هایش هر روز مانند نیاکنش شمس الدین محمد کورت افزوده میشد.

مشعل خانه محقر، اما زیبایی در محل باباحاجی که اکنون

آخرین سالهای ۱۳۶۰ بود و درست بیاد ندارم، روز برای امضای مکتوب های اداره مربوطه ام نزد فضل الحق خالق یار وزیر مشاور و رئیس زون غرب رفتم دیدم گروهی از هنرمندان جوان بگوشه تالار ولایت که اکنون به (زرنگار) معروف است جمع اند و یک حلقه ی را تشکیل داده اند، حس کنجکاو ی ام زیاد شده و از امضای مکتوب ها فراموشم شد و به آن حلقه پیوستم، دیدم استاد در میان این حلقه بالای چوکی چوبی نشسته با دستان نحیف ولرزانش هنر بریدن یک نوع نقاشی های چوبی را به شاگردانش یاد میدهد.

او می گفت؛ طوری از آره ی شبکه بری استفاده کنید که نه نقشه از پیش شما خراب شود و نه تیغ بشکند، همچنین در قسمت ترکیب رنگها که شخص خالق فرمایش داده بود به شاگردان چیز های میگفت. منکه از این هنر سردر نمی آوردم لحظه به تماشا استادم و استاد رویش را جانب من نموده برایم گفت توهم میخواهی چیزی یاد بگیری؟ تا کنون کار کرده ای؟ گفتم نه؛ استاد فقط به تماشا آمدم جالب اینکه هیچ عملی که من مزاحم باشم نشان نداده گفت خوش آمدی، این میده کاری ها سردردت نکند.

استاد مشعل در شعر و ادب هم در زمان خودش و به سبک قدیم شعر می سرود و اشعارش همیشه حالت تصوفی، غزل، مثنوی و دوبیتی های شرین محلی غوری بود، از استاد چند اثر چاپ اما در بین مردم تقسیم شده که نتوانستیم آنها را پیدائیم، درین مقال تنها یک غزل شانرا که بشکل تصوفی درحین سفرش به بیت الله الحرام سروده شده برای استفاده ی خوانندگان عزیز شنسبانیه برگزیدیم :

### پادشاه حقیقی

ای الهی که ترانیست اله دگری

پادشاهی بتو زبیدنه به شاه دگری

به طواف حرمت نیک بخود فهمیدم

که رسیدن بتو سهل است ز راه دگری

خود گواهی که دگر نیست خدای جز تو

کافر است هر که بخواهد گواه دگری

کعبه را بود جمالی که مرا برد هوس

که چرا نیست مرا روی سیاه دگری

خجلم از کرم و عفو مقصر جویت

که مرا غیر گنه نیست گناه دگری

به پناه توام ای خالق بیچون که مرا

در دو عالم نبود جز تو پناه دگری

سگ درب حرم کعبه گرم بشماری

می نخواهم به جهان عزت و جاه دگری

مشعل از بهر قبول در دلداریا

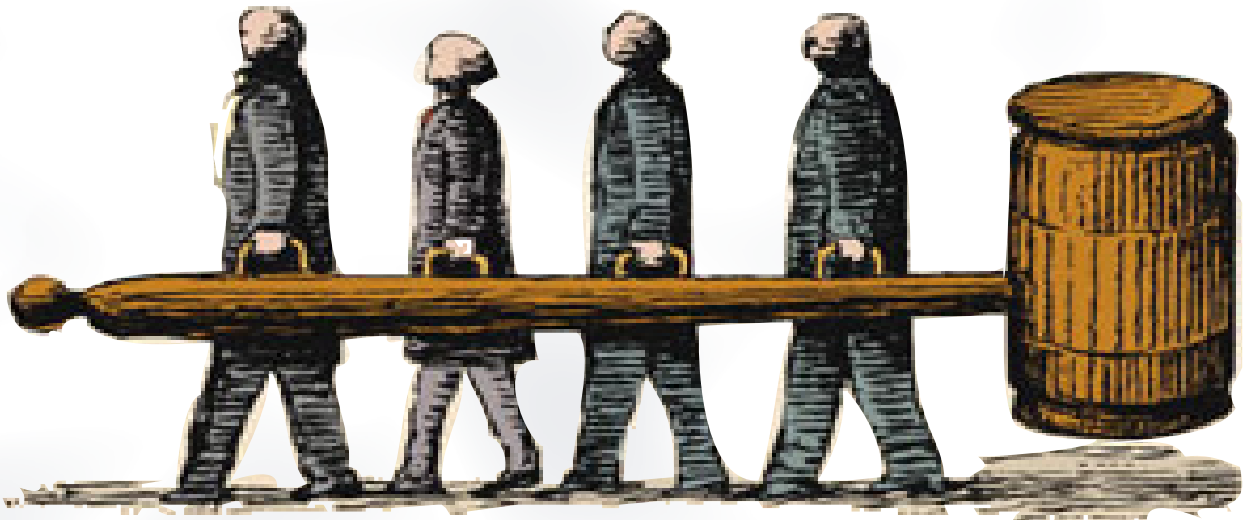
شمع سان اشک دگر، ناله و آه دگری

ناحیه دوازدهم شهر هرات است و آن زمان جزء ولسوالی انجیل بود داشت انواع مینیاتوری ها، نقاشی های آبرنگ کوزه ها و مجسمه های تاریخی در اتاقها و صحن حویلی به زیبایی خانه اش می افزود و به آنها دلخوش میکرد و برهنمایی شاگردانش می افزود، اما بعد از سال ۱۳۵۸ آن محل برایش ناسازگار گردید، عده ی او را بت پرست خطاب میکردند و برخی دیگر هنرش را می ستودند اما بناچار ترک محل نموده و در جاده محبس کنونی در یک خانه کرایبی زندگی را دنبال میکرد، اثرات ذی قیمت و به یاد ماندنی اش به یغما برده شد و یا به نحوی تخریب گردید.

دفتر کاری استاد در تعمیر کنونی توریزم هرات بود و صدها جوان از مزیت هنرش سود می بردند و حلقه های هنری شان همه روزه در آن گرم بود و علاوه از هنرمیناتوری، سرامیک، چوب کاری، حتی ساختن رباب و تنبور هم از ابتکارات استاد مشعل بود. بقول خود استاد علاوه از شاگردان مکتب تجربوی ولیسه سلطان غیاث الدین غوری بیش از چهار صد شاگرد خاص در رشته های مختلف اطراف ایشانرا محاط ساخته بودند که تا سالهای اخیر زندگی اش این تجمع هنری کماکان با علاقمندی خاصی وجود داشت.

استاد در نهایت فقر زندگی با عزت خویش راسپری میکرد، در گوشه غربی شروع جاده گازرگاه یک زمین چغور را خالقیار بپاس خدمات شایانش در تزئین تالار زرنگار برایش تفویض نموده و در همان گودالای خانه ی خامه اعمار نمود که تا کنون بحالش باقیست در همین منزل بزرگان، دانشمندان، شعرا، نویسندگان و اهل قلم همه روزه دروازه استاد را می شوراندند و از اندیشه های خویش بهره میگرفتند.

استاد محمد سعید مشعل نه تنها در هنر نقاشی بعد از بهزاد دست رسایی داشت، بلکه در تاریخ و نوشتن تاریخ هم با برادرش استاد محمد نسیم پروانه و معرفی امکاکن تاریخی دوره امپراطوری اسلامی غوری ها همکاری های متدووم داشت، یکی از شاگردانش گفت: در خانه ی استاد مشعل تمام آثار باستانی غوری ها چه در داخل و خارج کشور با سبک معماری آنها توسط آبرنگ نقاشی شده بود و با هنرمیناتوری مزج گردیده بود، اما نبرد های سالهای ۵۸-۵۹ هـ ش همه را به خاک یکسان کرد، کاش آن اثرات می بود و تاریخ غوری هارا کاملاً زنده بیان میکرد.



# درسهای از قانون اساسی

.....پیوست به گذشته

مدیریت ماهنامه

آری؛ پروردگارتوزودعذاب کننده است وهم اوبس آمرزنده ومهربان است.

آیه ۱۱-۱۲ سوره حجرات؛ ترجمه: «ای کسانیکه ایمان آورده اید، نباید قومی بر قومی دیگر راریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند ونباید زنانی زنان دیگر را ریشخند کنند شاید آنها از اینها بهتر باشند، واز یکدیگر غیب مگیرید و بهم دیگر لقب های زشت مدهید، چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خودستم کاراند. ای کسانیکه ایمان آورده اید، از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره ی از گمانها گناه است وجاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید، پس از خدا بترسید، که خداتوبه پذیر ومهربان است.»

آیه (۱۸) سوره لقمان؛ ترجمه: « واز مردم به نخوت رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خود پسندد و لاف زن رادوست نمی دارد.»

ترجمه احادیث

از عبدالله بن عمر روایت است که رسول خدای علی الله وعلیه وسلم فرمودند: «بر رحم کنندگان بر مخلوق الله تعالی رحمت خاص خداوند خواهد بود، شما بر مخلوق زمینی رحم کنید تا کسیکه در آسمان است بر شما رحم کند.»

(رواه ابوداود و ترمذی)

پاراگراف دوم و سوم ماده ۲۴

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصئون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

تعریف کرامت انسانی؛ بزرگی ورزیدن، جوانمرد گردیدن بزرگی، بزرگواری، بخشندگی، بزرگی.

پاراگراف اخیر ماده ۲۹:

تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

مصادیق اسلامی

آیات متبرکه که کلام الله مجید:

آیه (۷۰) سوره اسراء، ترجمه: « و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب ها بر نشانیدیم و از چیز های پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم.»

آیه (۴) سوره تین؛ ترجمه: « هر آینه آفریدیم آدمی رادر نیکو ترین اندازه (صورتی)

آیه (۱۶۵) سوره انعام؛ ترجمه: « و اوست کسیکه شما را در زمین جانشین خود قرار داد و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آنچه بشما داده است بیازماید.»



ماده ۳۹

هتک حرمت و حیثیت کسی که بحکم قانون دستگیر، بازداشت زندانی یا تبعید شده، بهر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

قانون اساسی نیجیریه

ماده ۱۰

نوع بشر محترم است و دولت وظیفه خطیر دارد که آنرا مورد احترام و حمایت قرار دهد و شکوفایی کامل آنرا تضمین نماید.

قانون اساسی جاپان

ماده ۱۳

کلیه مردم به عنوان افراد جامعه مورد احترام می باشند در امر قانون گذاری و سایر امور حکومتی، حق حیات، آزادی و رفاه آنان تا حدی که مخل رفاه عمومی نباشد مورد توجه کامل خواهد بود.

قانون اساسی عراق

فقره ۱ ماده ۳۵

حکومت بیمه اجتماعی و صحت و عناصر اصلی زندگی باعزت را برای افراد خانواده ها بخصوص کودکان و زنان تأمین می کند و در درآمد و مسکن مناسب رابرای آنان فراهم می کند.

قانون اساسی مصر

ماده ۴۲

هر تبعه که بازداشت یا دستگیر و یا آزادی اش محدود گردید، باید با توجه به حفظ شئوناتش باوی رفتار گردد، هیچگونه صدمه جسمی و یا روحی نباید به وی وارد شود، او را نباید در مکان های غیر از آنچه که طبق قانون به عنوان زندان سازمان یافته است زندانی یا نگهداری کرد.

هرگونه اعتراضی که تحت شرایط غیر عادلانه و نامناسب مذکور از شخص گرفته شود، فاقد اعتبار و وجاهت قانون است.

ماده ۴۳

هرگونه آزمایش علمی و یا طبی روی اشخاص بدون رضائیت آنها ممنوع است.

از ابودردا روایت است که از رسول اکرم (ص) شنیدم که می فرماید: هر مسلمان خود دفاع کند و به آن پاسخ گوید، وعده الهی است که در روز قیامت او را از آتش دوزخ نجات دهد، سپس بطور استناد این آیه را تلاوت فرمودند: (برعهده ی ماست حمایت و نصرت مومنان) (رواه البغوی فی شرح السنه)

از ابو هریره (رض) روایت است که رسول اکرم (ص) فرمودند: « هر مؤمن آئینه ی دیگر مؤمن است و هر مؤمن برادر مؤمن است ضرورتی را از او دفع می کند و از او حفاظت و حمایت میکنند.» (رواه: ابوداود و الترمذی)

روایات

باری دربان نزد حضرت عمر (رض) حضور یافت و گفت: ابوسفیان و بلال، پشت دروازه در انتظارتان هستند، عمر از اینکه نام ابوسفیان را بر بلال مقدم کرد، بر آشفتگی و دستورداد که بگوید « بلال و ابوسفیان» در انتظارند، بعد از آن به بلال اجازه ورود داد و ابوسفیان را بحضور نپذیرفت.

قوانین اساسی بعضی از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی:

قانون اساسی اسپانیا

فقره ۱ ماده ۱۰

کرامت اشخاص، حقوق غیر قابل نقض آنها، آزادی رشد افراد احترام به قانون و حقوق دیگران، اساس نظم سیاسی و آرامش اجتماعی را تشکیل میدهد.

ماده ۲۶

هتک حیثیت افراد توسط ادارات دولتی و سازمانهای حرفوی ممنوع است.

قانون اساسی ایتالیا

پارگراف سوم ماده ۲۷

مجازاتها نمی توانند در برگیرنده رفتارهای برخلاف احساسات بشری باشند، بلکه باید جنبه باز پروری محکوم را داشته باشد.

قانون اساسی ایران

ماده ۲۲

حیثیت جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصئون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

# حرف دل

## هنر

### دهزاد

هان که این دنیا است دنیای هنر  
گنج گوهر زاست دریای هنر  
میروود همگام با بالنده گی  
هر که از دل بود جویای هنر  
رهگشای تست اندر زندگی  
در جهان این چشم بینای هنر  
مشترک آمد میان نسلا  
این زبان ساده گویای هنر  
آدمی در عزت و آزاده گی  
میرسد پیشک به ایمای هنر  
(همت) و (نعمت) به (راحت) میرسد  
گر بدانی حرف و سیمای هنر  
این نه آسانست ای (دهزاد) ما  
معنی این شعر، جویای هنر

## زمستان

محمد داوود

"زمستان"، زمستان است  
نگاه سرد تو بر من زمستان است  
صدای سرد تو بر من زمستان است  
بهار چشم تو بر من زمستان است  
به گرمی دل نمیبندم  
دلم لبریز از سردیست  
در آغوش پناهم نیست  
چرا دنیا چرا دنیا  
دل از درد میسوزد  
کسی با من موافق نیست  
به درد خود گرفتارم  
لبانم خشک از سردیست  
صدایم مرده  
دل خشکیده  
دنیایم زمستان است  
چرا دنیا چرا دنیا؟ ...

## دوتامینو

### محمدنصیر توکلی

قبول کردی که از دستت شدم آزار هم کافیت  
اگر این اشتباه دگر نشد تکرار هم کافیت  
نگفتم فتح شهر دل، تفنگ اصلاً نمی خواهد؟  
کنار غمزه‌ی چشمی، فقط هشدار هم کافیت  
پس از آوردن یوسف به بازار از دحامی شد  
گل مرسل! نگاه تو در این بازار هم کافیت  
نمی‌خواهم که از شهد لبانت سیرم سیرم کن  
به رسم روزه‌داری‌ها، کمی افطار هم کافیت  
بی‌اور قهوه‌ی تلخی، مزین با دوتا مینو  
مرا پیش تو عیاشی، همین مقدار هم کافیت  
برای خوب بر هم خوردن شعر و پیام آن  
فقط آوردن یک واژه‌ی دُشوار هم کافیت

سیاور قهوه‌ی تلخی مزین با دوتامینو







# صحت روان



## خصوصیت های انگیزش

فاطمه غلامی

... پیوست به گذشته

علم روانشناسی عقیده بر آن دارند که انسان بر اصل این سه فکتور اساسی بوجود آمده است، هرگاه از منظر قرآن انسان را به مطالعه بگیریم درسوره ی الرحمن بوضوح بیان میدارد که ترجمه: «انسان بجز سعی و تلاش چاره ی ندارد» واضح است که انگیزش انسان را وادار می سازد تا قائل شامخ زندگی را بحدت توان ببیماید و خود را به اهدافیکه برای زندگی تعیین نموده است برساند.

انگیزش دو حالت دارد که عبارت اند از انگیزش بیرونی و انگیزش درونی؛ نیازهای که انسانها را به کار کردن وامیدارند از فردی به فرد دیگر فرق می کنند، وحتی اگر اتفاق بیفتد که نیازها مشابه باشند، الزاماً با شدت یکسان تجلی نخواهد کرد هر فردی برای برطرف کردن نیازهای خاص خود کار می کند خواه این نیازها، همان طوریکه قبلاً اشاره شد، تماس بامردم دریافت پول، عشق بکار کردن ویا اجبار برای کار کردن باشد منابع انگیزش گاهی درونی و گاهی بیرونی است، منابع درونی از خود فرد منابع بیرونیاز عوامل خارج از فرد ریشه میگیرد.

همهء ما در محیط کار به برخی کارها و مسئولیتهای اهمیت قایل می شویم، در صورتیکه برخی کارها را بدون علاقه و دلخوشی انجام میدهموتنها هدف مان رفع تکلیف کردن، پاسخ دادن به درخواست های مافوق است، در حالت اول فرض اینست

تلاش، پایداری و جهت گیری تلاشها، سه خصوصیت اصلی انگیزش را تشکیل میدهند، تلاش بیانگریروی جسمی یا روانی که فرد به هنگام پیگیری هدفهای خود فراهم می آورد، پایداری یعنی پشتکار و مقاومتی که فرد به هنگام اتخاذ یک رفتار یا انجام دادن یک عمل خاص نشان میدهد، این دو ویژگی، تعنی تلاش و پایداری با مقدار نیرو کار انجام شده ارتباط پیدا می کنند، در حالیکه خصوصیت سوم یعنی جهت گیری تلاشها، به کیفیت مناسب بودن کار مربوط می شود تلاش باید پسیری را دنبال نماید که هدفها، مدیران یا کارکنان تعیین می کنند.

مهم این است که بین هدفهای کارکنان و هدفهای کارفرمایان هماهنگی باشد، زیرا کارفرماست که درباره نگرشها و رفتارهای کارکنان قضاوت کی کند و باز هم کار فرماست که کارکنان را ارزیابی و پاداشها را تزییع می کند، بنابراین، مهم است که مدیران، کارکنان را برای اتخاذ نگرشها و رفتارهای مورد انتظار سازمان تشویق کنند.

بر اساس همین نظر روان شناسی است که همیشه سه بعد اصلی یعنی تلاش، پیگیری و پشت کار در فرد ویا یک جمعیت می تواند سبب شگوفایی جامعه گردد و عکس آن معلوم است که نزول و سقوط یک اجتماع را فراهم می سازد، دانشمندان

روایتی بسیار جالب و ارزشمندی از رسول اکرم (ص) توجه میداریم که: ( روزی یک خانم دست پسر کوچکی بدستش در حضور پیامبر بزرگ اسلام (ص) آمده، از رسول الله میخواست پسرش را نصیحت کند که زیاد خرما نخورد، پیامبر بزرگ اسلام (ص) میفرماید: برو فردا بیاتا طفلت را نصیحت کنم، زن میرود و فردا دوباره نزد حضرت رسول اکرم مشرف شده و انتظار می کشد که پیامبر خدا به طفلش چه خواهد گفت؟ در این لحظه رسول خد طفل را مورد خطاب قرار داده میفرماید: « بچه جان زیاد خرما نخور که زیاد خوردن نقص دارد» زن باشنیدن این سخن قهر شده برسول الله می گوید قربانت شوم یا رسول خد؛ این حرف دیروز میگفتی که من از راه دور سرگردان نمی شدم، رسول الله به آرامی برای آن خانم می گوید: «دیروز خودم خرما خورده بودم».)

بلی؛ مبرهن است که انگیزه زمانی مؤثر است که مدیر سازمان آنچه را که از زیر مجموعه ها و یا کارکنان خویش میخواهد خودش نیز در راه رسیدن به آن علاقمند، کوشا و با دیگران همگام باشد، یا اینکه شخص مدیر یا سرپرست صداقت که از کارمندش تقاضا دارد در خود نیز داشته باشد و بفرم امتیاز گیری برای خود نبوده، موفقیت سازمان را مرهون کارکنان سازمان بداند، در زمان معین از فرد فرد کارکنان خویش به اندازه ی کار و فعالیت شان تقدیر نماید. آنگاه همه باورمند خواهند بود که با انگیزه عالی کار را آغاز و به انجام خواهی رسانیدند.

نظریه های انگیزشی را می توان به دو گروه تقسیم کرد یکی نظریه محتوایی و دیگر نظریه فرآیندی یا پروسه ای، هدف از نظریه محتوای عبارت از شمردن، تعریف وظیفه بندی کردن نیروهای مختلفی است که فرد راد جهت ایجاد انگیزش یا رفتار خاصی سوق میدهند.

نظریه های فرآیندی خواهند روشن کنند که چگونه این نیرو ها با محیط تعامل پیدا می کنند و فرد راد جهت اتخاذ یک رفتار بجای یک رفتار دیگر سوق میدهند. مانند بایسکل ران که نخست از مطالعه ی بایسکل جور و سالم بودن آن آغاز نموده بعد چگونه استعمال آنرا تجربه می کند و بعد راهش را دنبال می نماید، باید دانست کاری را که برای یک کارمند سپرده می شود، توانایی های کارمند، لیاقت مهارت و صداقت آن در نظر گرفته شده و بعد مسئولیت به آن محول گردد. به نتیجه میرسیم که دادن انگیزه برای هر شخص که به آن مسئولیتی واگذار میگردد، نخست شخص مسئول خود را بجای کارمند قرارداد، همه اطراف قضیه را مطالعه و بعد تفویض مسئولیت نمایند و همه جوانب مکافات و مجازات را در حین اجرای وظیفه به کارمند توضیح داده و در ختم کاربردی کامل از کار داشته و در ارزیابی هایش صحت و ثقم کار را در دوستانه مبرهن سازد.

که فرد انگیزه ی درونی دارد، در حالیکه در حالت دوم، عوامل بیرونی او را برمی انگیزند، بنا بر این می توان گفت، که انگیزش درونی، یعنی کار کردن به دلیل لذتیکه از انجام دادن کار احساس می شود.

انسان ها با احساس رقابت و احساسهای خود شگوفایی و کمال که انجام کار برای او فراهم می آورد، از درون برانگیخته می شود، اما انگیزش بیرونی اصولاً با ارتباط های مفید همراه است یعنی فرد به این علت کار می کند که از امتیاز های مادی آن بهره بگیرد و یا از پی آمد های ناخوش آیند آندور بماند، او به این علت کار می کند که حقوق دریافت کند، از امتیاز های اجتماعی بهره بگیرد، به علاوه سیاست سازمان، از جمله شیوه ی مدیران در کنترل کارکنان ، عواملی هستند که از بیرون اعمال می شوند و انگیزش فرد را تحت تأثیر قرار میدهند.

انگیزش در عملکرد

یکی از خصایل خوب مدیران و یا کارفرمایان این است که زیر مجموعه های خویش را بدون جبر و اکراه طوری آماده سازند که عملکرد شان مطابق به پالیسی های سازمان و یا اداره ی مربوطه باشد، این یک حقیقت مبرهن است که دلگرمی بکار و توسعه بخشیدن روال کار بدوش کارمند یا زیر مجموعه های مدیریت است، کارکنان همیشه از امتیاز مادی کمتری برخوردارند، در حالیکه کارهای شاق و طاقت فرسا را انجام میدهند، اما نقطه جالب و قابل دید این است که مهربانی ها برخورد های دوستانه، تقدیر از کار های انجام شده کارمند را انگیزه میدهد که بیشتر از توان خویش کار نماید و به شگوفایی سازمانش بیفزاید.

مدیران که برای ایجاد انگیزه در کارکنان تلاش می کنند انتظار دارند که آنها نیز، در مقابل بازده خوبی داشته باشند اما تجربه نشان میدهد که همیشه اینطور نیست، برغم ایجاد انگیزش، برخی کارکنان نمی توانند بر آورده کردن خواسته های سازمان موفق شوند، مثلاً در زمینه ورزش، اغلب می شنویم که برخی ورزشکاران با اینکه انگیزه بسیار قوی دارند، نمی توانند نتیجه لازم را بدست آورند این پدیده بدین صورت تبیین می شود که تلاشهای بعمل آمده با اهداف سازمان مطابقت نمی کند، هر چند انگیزش، برای اخذ بازده خوب اثری زیادی دارد ممکن است نگرش و شایستگی فرد اجازه ندهد که او به هدفهای تعیین شده از طرف سازمان برسد، برعکس اثر مهم انگیزش برای اخذ بازده قابل توجه، عوامل دیگری را باید در نظر گرفت تا بتوان موفقیت یا شکست فرد در رسیدن به اهداف را تشریح کرد.

خیلی با ارزش است برای مدیرانی که در بین همکاران و یازیر مجموعه های شان تولید انگیزه می نمایند، در این جا به

# زیتون



مدیریت ماهنامه

زیتون یکی از میوه های قدیمی بوده، در قرآن کریم به این میوه خداوند بزرگ قسم یاد نموده است، در کتب دیگر آسمانی چون انجیل از زیتون بکرات یادآوری گردیده است، شاخه زیتون در سیاست گذاری های امروز بمثابه مظهر صلح و آشتی شناخته شده و از آن احترام میگردد، این میوه ی مقدس در زمین های فقیر و ضعیف بعضی از کشور ها تأمین کننده مواد غذایی، طبی و ویتامین های مورد نیاز باغداران و دهقانان محروم است.

در کشور مان بودیم و اکنون در ولایت همیشه بهار ننگرهار شاهد باغات زیادی می باشیم که اگر دست بیگانگان از کشور ما کوتاه گردد بهترین منبع عایداتی به دهقانان زیتون کار کشور ما خواهد شد.

اهمیت غذایی و صحتی زیتون

میوه زیتون یکی از مغذی ترین میوه ها است، در یکصد گرم زیتون رسیده ۲۲۴ کیلو کالوری ۶۰ گرم آب، ۲۰ گرم چربی مفیده ۱۰ گرم مواد قندی، یک گرم پروتئین و ۰.۳ گرم مواد معدنی وجود دارد، میزان کلسیم زیتون ۱۲۲ ملی گرم (در ۱۰۰ گرم میوه) است که حتی از کلسیم موجود در شیر تازه گاو نیز بیشتر است، زیتون سر شار از انواع ویتامین ها (به غیر از ویتامین C) است، میزان ویتامین (A) در صد گرم میوه سبز برابر با هزار واحد بین المللی است که معادل ویتامین (A) موجود در میوه های پر ویتامین است.

با پیدایش تمدن های اولیه و سیر تکاملی تاریخ زیت بخش خوان شاهان و سلاطین زمان آن بود، سابقه ی زیتون به ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد بر میگردد، اکثر تاریخ نگاران اولین درخت زیتون را در سوریه کنونی سراغ میدهند، این درخت زیبا آهسته آهسته به سرزمین ایتالیا، اسپانیا، یونان و سایر کشور های ساحل مدیترانه تکثیر و توسعه پیدا کرد.

طبق تحقیقات سازمان خوراکه جهان (FAO) در حال حاضر بیشتر از ۳۰ کشور جهان به امر زیتون کاری اشتغال دارند تحقیقات سال ۱۹۹۳ مؤسسه (IOOC) شورای بین المللی روغن زیتون نشان میدهد که در این برهه تاریخ در کشور عزیز ما افغانستان درختان زیتون بالغ بر (یک میلیون) اصله را تشکیل میدهد، اگر ناهنجاری های سی سال گذشته نمی بود این صنعت خدادادی به میلیونها اصله درخت ارتقا می یافت.

مادردهه ی پنجاه هجری شمسی شاهد صادرات وسیع زیتون خالص، محصولات صنعتی آن از قبیل کنسرو روغن زیتون



برحسب امکانات نهاد های زراعتی (آب، کود، دوا پاشی و غیره) و للمی کاری بطور متوسط تراکم کاشت درجهان اعم از للمی و آبی ۸۵ تا ۱۰۰ اصله می باشد.

براساس آمار نسبتاً دقیق شورای بین المللی روغن زیتون (IOOC) میزان تولید روغن زیتون در جهان درسالهای اخیر حدود ۱.۷ میلیون تن در سال است که تولید آن سالانه بطور متوسط (۱.۲) فیصد و مصرف (۱.۷) فیصد در سال رشد دارد. کمبود تولید از ذخایر موجود جهانی تأمین می شود.

کشورهای اطراف دریای مدیترانه بیشتر از ۹۰٪، کشورهای اروپایی حدود ۸۷٪ و کشورهای آفریقایی ۸٪ و کشورهای آسیا ۴٪ و سایر کشورهای جهان یک فیصد روغن سالانه ی زیتون را تولید می کنند.

زیتون یکی از بارزترین میوه های جهان بوده که از نظر اقتصادی صحتی و کیفیت مواد غذایی در صدر جدول مواد غذایی قرار دارد این درخت ها هم بصورت آبی و هم بشکل للمی (دیمه) زرع شده و بعد از مدت دوالی سه سال به ثمر می نشیند، کسانیکه دارای چربی های خون، چربی جگر و کلسترول بد (LDL) هستند حتی المقدور کوشش کنند که از روغن زیتون استفاده نمایند، این روغن هم در پخت مواد غذایی و هم در سالاد ها استفاده میگردد.

هرگاه این ماده باارزش بصورت خالص تولید گردد، می تواند مانع بسا امراض که دربالا از آن ذکر گردید شود و سبب صحت یابی مصابین امراض ناشی از چربی های بد گردد، درخت زیتون همیشه سبز است که دارای عمر طولانی بوده و چندین قرن را در صورت آب و هوای مساعد دوام می نماید، بهمان منوال ثمر میدهد، اما این درخت در شرایط یخبندان رشد نمی کند و ممکن است با اثر تلاش مسئولین زراعت جهان خسته ی آن در شرایط فوق رشد داده شود و یک درخت فراگیر در هر نوع شرایط گردد.

این درخت دارای چوب مقاوم واز نقش های زیبا برخوردار است از درختان کهن سال آن در صنایع چوبی (نجاری) برای ساختمان مبل و فرنیچر و سایر لوازم زینتی استفاده میگردد و دارای عطر خاصی بوده و صوفیان از استعمال تسبیح چوب زیتون لذت می برند دوستان عزیز که به چربی های خون و یا رشد کلسترول مبتلا هستند جداً از روغن زیتون بجای روغن های حیوانی و نباتی استفاده نموده م متوجه صحت شان باشند.

روغن زیتون ملین است، از قدیم برای معالجه قسمت از قولنج ها، امراض مثانه، امراض جلدی و زخم ها توصیه می شد، این روغن در طب ابی سینا کاربرد فراوانی داشت که اکنون هم بشکل پیشرفته ی آن استعمال میگردد، مطالعات اخیر در قسمت مصرف چربی ها و کلسترول با مریضان گرفتگی عروق و سکتته ی قلبی بعمل آمد، حاکی از مرگ ومیر زیاد ناشی از بیماری های فوق در امریکا و حداقل تلفات این بیماری در کشور های اطراف دریای مدیترانه است که صرفاً به دلیل مصرف زیاد روغن زیتون و حضور مستمر این روغن در رژیم غذایی روزانه مردم کشور های اطراف دریای مدیترانه است.

چربی های حیوانی فاقد چربی های اشباه نشده هستند، در صورتیکه روغن های نباتی دارای چربی های اشباع نشده هستند، روغن زیتون دارای ۷۶ الی ۹۰.۵ فیصد روغن های اشباع نشده است و امتیاز آن بر سایر روغن های نباتی وجود اسید های چرب اشباع نشده یک ظرفیت اسید اولیک به میزان ۶۵ تا ۸۵ فیصد در ترکیب آن است.

در قسمت چربی های مفید و مضر که چربی انتقال دهنده کلسترول که ۶۰ فیصد کلسترول را در خون انتقال میدهد و رسوب آن در رگها سبب چربی جگر، بندش عروق و سکتته های قلبی میگردد و در روغن های نباتی. حیوانی و بعضی غذا های دیگر وجود دارد برخلاف آن در روغن (HDL) وجود دارد که امتیاز روغن زیتون را بر روغن های حیوانی و سایر روغن های نباتی مشخص می کند، بدین لحاظ مردم اطراف دریای مدیترانه با مصرف روغن زیتون، علاوه بر تأمین انرژی مورد نیاز روزانه، به دلیل کاهش رسوبات کلسترول در رگها به ندرت به بیماری های گرفتگی عروق و سکتته قلبی گرفتار می شوند.

به عبارت دیگر مصرف مستمر روزانه روغن زیتون که هر گرام آن معادل (۹) کالوری انرژی تولید میکند و این رقم بمراتب بیشتر از انرژی تولید شده توسط پروتین و گلوکوسیدهاست، ضمن تأمین انرژی مورد نیاز روزانه، کلسترول خون و رسوبات آن در رگها نیز کنترل می شود.

اهمیت اقتصادی زیتون

به اساس آمار سازمان جهانی خوراکی (FAO) جمع تمام درختان زیتون در جهان هشتصد میلیون اصله و سطح زیر کشت ده میلیون هکتار زمین است، تراکم بذراز ۴۰۰ اصله در هکتار (در جنوب ایتالیا) تا ۱۷ اصله در یک هکتار (در اسفاکی تونس)



# پایه های نهاد خانواده از دیدگاه حقوقی

مدیریت ماهنامه

سرود و آواز شان قرآن و آذان و زمزمه شان سبحان الله، لاله الاالله، الحمد لله و الله اکبر است، در روزها و شبها شادمانی هابا سروصداهای بلند و ناهنجار، همسایگان خود را آزار نمیدهند و بهنگام مصیبت و عزاباداد و فریاد و فغان بر سر قضا و قدر فریاد نمی کشند و بحکم واراده خداوند گردن می نهند.

اگر دارا باشند دست درد مندان و نیازمندان را میگیرند و در نهان بحد توان به آنان کمک می کنند، چنانچه خود نیازمند و مستمند باشند راه پاکی و قناعت را در پیش میگیرند و دست نیاز را بسوی کسی دراز نمی نمایند و بگونه ی رفتار می کنند که بیخبران آنان را ثروتمند می شمارند و در شادمانی و مصائب راه شکیبایی را در پیش میگیرند و با آرامش و متانت به مسئولیت های خویش عمل می کنند و از ریاکاری و تظاهر پرهیز می نمایند و در بیان حق از کسی هراس بدل راه نمی دهند و از سرزنش سرزنشگران باکی ندارند و مدام خوش اخلاق و خوش برخورد می باشند.

اهمیت خانواده و نقش آن در جامعه بشری از ره آورد تأمل و تفکر در این دو بعد وجود کودک، آشکار می گردد. خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است، زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان همچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و روبرویی با پدیده های اجتماعی است، در آیه ۷۴ سوره فرقان می خوانیم:

ترجمه: «و کسانی که می گویند خدای ما را از همسران مان نور چشمان ببخش و ما را رهبر پرهیزکاران گردان»

این آیه بر اهمیت خانواده و پیش آهنگی آن در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره دارد، چنان که پیوندهای سالم و درخشان خانوادگی را ایده آل پرهیزکاران معرفی می کند، در درون واحد اجتماعی خانواده پدر و مادر از آغاز تولد کودکان به عنوان الگو برای آنان مطرح هستند، نقش و معنای اهمیت خانواده در بهسازی وضعیت بشر نیز در همین واقعیت نهفته است، در نگاه پیشوایان دین باورها، چگونگی زندگی، عاداتها، تمایلات و اهداف والدین از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر کودکان هستند، بنابراین نوع رفتار والدین در هماهنگ سازی خواستها و تمایلات خودشان از یک سو و تمایلات خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر و همچنین تلاش پیوسته آنان برای تأمین رفاه و سلامتی روانی خانواده و نوع برخوردشان با وظایف دینی و اجتماعی از عوامل ایجاد هسته تعاون و همکاری اجتماعی در کودک شمرده می شوند.

ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضای که انجام حقوق متقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و برکنار از منیت ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد

انسان موجودی اجتماعی است که پیش از هر چیز به خانواده نیاز دارد، چنان که برای تحقق بخشیدن به فرایند رشد و تکامل خویش به ارتباط با دیگران نیازمند است. نوزاد انسان بیش از هر موجود دیگر نیازمند پدر و مادر و حمایت آن دو می باشد و نمی تواند به تنهایی به زندگی ادامه دهد، با آن که جانداران دیگر می توانند پس از تولد نیازهای اولیه خود را تا اندازه ای تأمین کنند. در این مسئله گرچه نیازهای جسمی کودک مانند غذا، لباس و مصونیت در برابر خطرها مورد نظر است، اما بعد دیگر وجود او یعنی روان و شخصیت کودک نیز اهمیت دارد، زیرا شخصیت و روحیات او نیز در این مرحله شکل می گیرد و نخستین سنگ بنای آن گذاشته می شود.

- خانواده ترکیبی از افرادی است که از راه خون، زناشویی، و یا فرزند پذیری، با یکدیگر ارتباط می یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص، با هم زندگی می کنند -

خانواده پیوندی است که با نهاد ازدواج، یعنی صورتی از روابط جنسی، که به تصویب جامعه رسیده، مرتبط است خانواده گروهی اجتماعی است که بزرگ سالان آن (مذکر و مؤنث) از نظر جنسی، با هم زندگی می کنند و از نظر اقتصادی همکاری دارند و دارای یک بچه یا بیش تر هستند، این گونه تعاریف را می توان در سه محور خلاصه کرد:

۱. خانواده بر مبنای ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می گیرد.

۲. روابط نسبی (قرار دادی یا واقعی) یا سببی بین اعضای آن وجود دارد.

افزون بر کارکردهای زیستی (تولید مثل)، کارکردهای آموزشی، تربیتی و اقتصادی نیز برای آن متصور است.

ساختار خانواده شامل ساختار مادی و معنوی است، پایه ریزی خانه و منزل مسلمان از نظر مادی بدین صورت است که خانه ی پوشیده، محافظت شده، امن و بدور از داد و فریاد باشد، منزل آنها بگونه ی است که درون آن از بیرون برای نامحرمان قابل رویت نیست و پنجره هایش بلند و در شب ها مستور است.

از حرمت و حیثیت آن چون گوهری گرانبها محافظت می شود و اعضای آن از آمیختن و اختلاط مردان و زنان نامحرم پرهیز می نمایند و عملکرد های روا و ناروا را در آن باهم قاطی نمی سازند، با بهره گیری از اخلاق و آداب دینی آنرا از ناهنجاری ها مصئون میدارند در آن صدای جیغ و داد، دشنام، ترانه های مبتذل و ساز و دهل، تار نامشروع بگوش نمی رسد.



ویژگی نیز برخوردار است که امکان رهایی از آن ضعفها نیز در آن فراهم است. به هر حال با نیروی عشق و محبت می توان به دشوارترین مقصودها رسید.

۲- میانتان دوستی برقرار ساخت. دومین نقطه مهم در خانواده محبت بین زن و شوهر است؛ آنها با تعامل دوستانه و همکاری در مسیر شناخت خود و خدای خود به آرامش می رسند و در وادی امن الهی گام می نهند.

۳- تا آرامش یابید. (سکنی) دست یافتن به مقام سکونت و آرامش است و این تعبیر در قرآن اشاره به این واقعیت دارد که آرامش مقام و موقعیتی است که انسان در پهنه هستی باید بدان دست یابد و از دیدگاه قرآن وظیفه خانواده زمینه سازی برای همین هدف است حال چه برای زن و شوهر، یا کسانی که راه آنان را ادامه می دهند، یعنی فرزندان.

۴- اصل مهربانی، الفت زن و شوهر و همکاری آن دو با نیروی عشق و محبت در مسیر کمال، رحمت و مهربانی را برای خانواده و دیگران به بار می آورد، پس پیوند سالم است که ضامن فراهم شدن زمینه مناسب برای ارتباط مسؤولانه و ماندگار است و این چیزی است که نوگامانی که در آغاز راهند، از آن الگو می گیرند و در روابط آینده شان با جامعه به عنوان سرمشق بدان می نگرند.

پیامدهای رفتار والدین بیشتر از نقش محسوس آنان در روابط شان با فرزندان است، بلکه نوع تعامل والدین با یکدیگر سنگ بنای شخصیت روانی فرزندان را می نهد که اگر سالم بود، رحمت به بار می آورد، منظور از سازگاری و هماهنگی میان زن و شوهر بیشتر، تلاش در جهت تعالی و تکامل دوسویه با وجود تفاوت های طبیعی و ذاتی است تا توافق و تفاهم میان آنها، بنابراین چنان که یک سلسله تفاوت های فیزیولوژیکی میان زن و مرد وجود دارد یک سلسله تفاوت های مهم روانی نیز دارند که با درک و شناخت یکدیگر به ساخت یک خانواده ایده آل می انجامد.

انجامید. از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است؛ در آیه ۲۱ سوره روم آمده است: ترجمه:

«از نشانه های او این است که از خود شما جفتهایی برای شما آفرید تا نزد ایشان آرامش یابید، و میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت. همانا در این نشانه هایی است برای آنان که می اندیشند.»

در این آیه چند نکته و نقطه با اهمیت درباره خانواده وجود دارد که شایسته بررسی است:

۱- همسرانی از خودتان بر اساس این تعبیر، رابطه و پیوند زن و شوهر یکی از ابعاد مهم خانواده است، چنان که پیش تر اشاره کردیم انسان موجود اجتماعی است که رشد، شکوفایی و تکامل او در گرو ارتباط با دیگران و سختیها و مشکلات این مسیر می باشد چرا که راه کمال بی پایان است و در هر مرحله از مراحل زندگی و رشد، یک سلسله نیازهای ویژه درونی وجود دارد که خود را در عمل ارتباط با دیگران نشان داده و انعکاسی از نیاز درونی انسان نسبت به خواسته ها و ایده آل های اوست.

پیوند میان زن و شوهر چیزی جز پیوند دوستی پیراسته از هر انگیزه دیگر نیست، در خانواده است که نقاط ضعف و قوت شخصیت انسان بدون هیچ گونه ترس یا ملاحظه ای آشکار می شود، خانواده محیطی است که امکان درمان مشکلات به صورت طبیعی در آن فراهم است، زیرا با بردباری، محبت، وفاداری و اطمینان متقابل زن و شوهر زمینه شناخت نقاط منفی شخصیت و بررسی آنها و رهایی از چنگ آنها با خودسازی بیش از هر جای دیگر میسر می شود.

بنابراین در نگاه اسلام، آلودگیهای درونی بدتر از زشتیهای بیرون است و محیطی که در آن امکان ظهور و بروز نقاط منفی شخصیت بدون ترس از کیفر وجود دارد - که همان خانواده است - از این

زیرنویسها

۱- قسمت از مقاله بانو دکتر فاطمه صدر طباطبایی

۲- حقوق برای همه کلینیک حقوق پوهنتون هرات





# صدرالدین ربیعی خطیب پوشنج

مدیریت ماهنامه

سلامی که برقصاردراک او

نیفتد فکرت کمند گمان

بدان شهریار جهان از علو

چو صد سنجراست و چو صد اردوان

بلاخره با تبادل نامه ها و حاصل اطمینان خطیب پوشنج نیشابور را به قصد هرات ترک نموده، مورد نوازش ملک فخرالدین قرار گرفت. دیری نگذشت خطیب پوشنجی با براه اندازی محافل عربده کشی را آغاز این بار بعد از بدمستی های زیاد شبی در حین مستی به یاران خود گفت که بامن یکدل و یک جهت شوید به اندک روزگاری ولایتی ضبط کنیم و خلقی را مطیع و منقاد خود سازیم. همه حاضران با خطیب بیعت کردند و خطیب هریک را نامی داد از قبیل؛ شهبوار عظم، دیو بندو پهلوان و مشت زن و معین تیغ کش، پس از آن گفت (نام های شمارادر «کرت نامه» خواهیم نوشت تا بعد از ما بقرنها باز گویند).

بعد از همان شب شاگرد ربیعی که گاهی رنجشی از او دردل داشت داستان آن شب را به ملک فخرالدین رسانید، ملک درخشم شد و تاج الدین یلدوز و لقمان را فرمود که درخانه خطیب روندوان دو رفتند و خطیب را با هفتاد تن پیش ملک بردند و از کیفیت همان شب پرسیدند همگان منکر شدند و فقط خطیب ربیعی اعتراف کرد و گفت آن سخنان از سرمستی بوده است، ملک آن گروه را مجازات و ربیعی را بزنندان فرستاد، ربیعی در زندان قصیده ی گفت و پیش ملک فرستاد و ملک قصیده اش را نپذیرفت که این دوبیت از آن جمله است:

تو همان گیر که این یوم یقوم الروح است

آفریننده میان من و تو خصم و حکم

در پناه تو گریزم به توبه به از آنک

گوشه ی دامن آن روز بگیرم محکم

خلاصه خطیب ربیعی در آن حبس به پایان رسید، بهمین قسم ملک فخرالدین کرت در سال (۷۰۵هـ) در قلعه خیسه چشم از جهان پوشید.

بهر صورت میانه ی ربیعی و ملک فخرالدین در همین راستا چندان خوب نبود و طوری که تاریخ روضته الصفا نشان میدهد مدامت همیشه ربیعی شرب و نوش سبب شد تا از مصاحبت ملک بدور ماند و در خفیه از ملک سقایت و مذمتی داشت، استاد محمد نسیم پروانه در تاریخ دست نویس خود به نقل از صفحه (۲۲۱) تاریخ جلالی می نویسد:

اخیراً بنا به مخالفت طبیعت ربیعی در خوف افتاد و شبی فرار نموده متوجه قهستان گردید، نزد شاه علی ابن ملک نصرالدین سیستانی رفت و چند گاهی به ملازمت او بود و همواره از ملک فخرالدین غیبت و شکایت می نمود، اخیراً شاه علی مبلغ دوصد دینار به ربیعی داد و گفت: تو حریف مانیستی، زود ازین دیار خارج شو، ندیمان و خواص شاه علی گفتند؛ نباید چنین شاعر بی نظیر از درگاه خویش دور فرمایی، او در جواب گفت: ربیعی حق ناشناس و بی پاس است، مدت دوازده سال ملک فخرالدین او را نوازش فرمود که از وی برنجیده و نزد من آمده، زبان بر غیبت اومی گشاید، فردا که از من برنجد، هر چه خواهد به نزد دیگران گوید، چنانچه گفته اند:

غماز را بحضرت سلطان که راه داد

در خدمت تو همچو تو باید سخنوری

امروز اگر نکوهش من کرد پیش تو فردا نکوهش تو کند پیش دیگری

ربیعی از قهستان به نیشابور رفت و از آنجا قصد عراق کرد، ملک فخرالدین از این موضوع اطلاع یافت با خود اندیشید که اگر ربیعی در مجالس اعیان و اشراف عراق زبان به بدگفتن از او گشاید، اعتباری را که بدر بار خلیفه دارد از دست خواهد داد، بدین سبب نامه ای به ربیعی فرستاد و او را وعده های نیک داد، ربیعی از آن نامه خوشحال شد و گفت:

اتانی کتاب زاده مورد قدری

کما جأ وحی الله فی لیلته القدر

چند روزی در رفتن به ملک فخرالدین متردد بود و عاقبت نامه ی نوشت و حال خود عرضه داشت و عرضه کرد که اگر آن جواب به دستخط خود ملک برسد متوجه هرات خواهد شد و قطعه شعری را در آغاز بنوشت که اول و آخر آن چنین است:

زیر نویس ها

۱. دکتر عباس زریاب؛ روضته الصفا
۲. عباس اقبال آشتیانی تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری
۳. محمد نسیم پروانه؛ تاریخ دست نویس



محمد حسیب حزین یار

## احساس بزرگی و شخصیت طفل

کندتا بتواند به مرحله ی بعدی رشد برسد، درحقیقت اینکه اگر او « به همه چیز دست می زند» نشانه هوش زیاد و ذکاوت درخشان اوست، نه شوخی و شیطنت.

شاید تاکنون در یافته باشید که در تمام مدتی که کودک بیدار است هرگز آرام نمی نشیند، این عدم آرامش، ناشی از عصبانیت نیست بلکه دلیل بر اشتیاق است، آنها می‌پسندند که پیوسته یاد بگیرند و آموخته های خود را همیشه مورد استفاده قرار بدهند، حتی اگر کدام شی را می شکنند نهایت شاد می شوند، آنها تجربه می کنند که شکستن یک ظرف چه عواقبی خواهد داشت.

### یک سالگی و سن پرخطر

پدر و مادر نمی توانند، از بروز تمام حوادث ناگوار جلوگیری کنند، دقت زیاد یا نگرانی شدید والدین در مراقبت از کودک، تنها باعث ترسو شدن یا موجب اتکای زیاد کودک به والدین خود خواهد شد، از سوی دیگر بسیاری از حوادث خطرناک قابل پیشگیری است، به شرط آنکه والدین بدانند که خطر در کجاست و در احتراز از آن عاقل باشند، این موضوع میسر است که والدین باید به نکات ذیل توجه فرمایند:

کلکین های منازل، برنده ها باید طوری با جالی و یا پنجره فلزی محصور باشد که هنگام دوش اطفال سبب سقوط شان از بالکن و کلکین های اتاق نگردد، هنگام غذا پختن، کودک نباید به آشپزخانه وارد گردد طرف آب داغ نباید وسط آشپزخانه گذاشته شود، یا ظروف که به آن روغن داغ میگردند در دسترس طفل باشد، کودکان عادت دارند هر چیز را بدهان شان میگیرند و می جوند، اجازه ندهید سیم برق و تلفون را را بدهن بگیرد، ساکت های برق اگر استفاده نمی شود باید روی آن چسپ زده شود تا طفل انگشت هایش را بداخل آن نبرد (البته چسپ زمانی زده شود که طفل نبیند) زیرا در این مرحله طفل زیاد تر کنجکاو میگردد.

قطعی های گوگرد، فندک های گازی، ادویه جات، صابون و پودر های کالاشویی، مواد شوینده که در آن ترکیبات کمیاب و بکار رفته جدا از دسترس اطفال دور نگهداشته شود، غذاهای شب مانده و گنبدیده شده که اساس مسمومیت هارا تشکیل میدهند از دسترس اطفال دور باشد، اگر در خانه چاه وجود داشته باشد سرش باید بسته و اگر حوض برای نمای خانه قرار دارد مراقبت هر لحظه از رفت و آمد طفل در کنار حوض باید بود، این مطالب بخاطر آن تذکر داده شد که، طفل هنگامیکه استقلالیت خود را احساس می کند، هر چند از تماس به آنها او را منع کنید، بیشتر علاقمند می شود تا با آنها تسلط حاصل نماید.

ادامه دارد...

در شماره های قبلی در باره تغذیه اطفال معلومات اندکی برای خواننده های عزیز شناسنامه تقدیم گردید، از این پس کوشش می نمائیم زندگی طفل را در عرصه های استقلالیت آن به توضیح بگیریم، دکتر بنیامین نویسنده کتاب تغذیه، تربیت و نگهداری کودک چنین بیان میدارد:

یک سالگی سن هیجان انگیزی است، کودک در تمام موارد، در خوردن بازی کردن، در رفتار و احساساتش نسبت به خود و سایرین در حال دگرگونی و تغییر است، وقتی که موجود کوچک و عاجز بود، هر جای میخواستند او را قرار میدادید، هر اسباب بازی به نظر شما مناسب بود به او میدادید، غذای را که به نظر شما خوب بود به او میخوراندید در بیشتر اوقات کودک بشما اجازه میداد که بر او ریاست کنید و تمام اینها را با خوشرویی می پذیرفت.

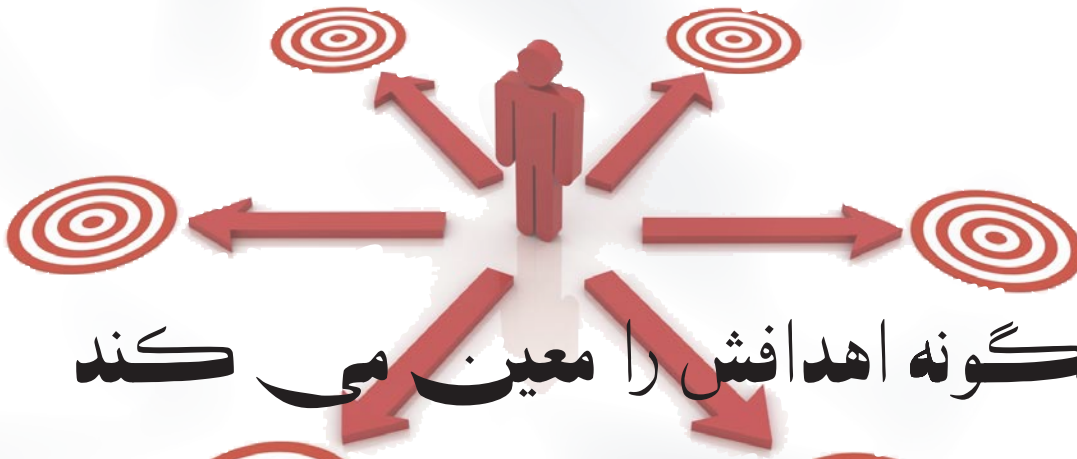
ولی اکنون که کودک به یک سالگی رسیده، موجود دیگر و پیچیده ی شده است، ظاهراً تشخیص میدهد که او هم یک انسان است و صاحب اراده و دارای عقاید و افکار مختلف. هنگامی که موضوعی را به او پیشنهاد می کنید که به نظرش چندان جالب نیست، فکر می کند باید از خود شخصیت جدا گانه نشان دهد و با آن مخالفت نماید، این الهامی است که از طبیعت خود می گیرد، همیشه در حرف و عمل حتی در مواردی که کاری را دوست داشته و به آن علاقه دارد، جواب منفی میدهد و میگوید «نه» این مرحله ی است که روانشناسان به آن «منفی گرایی» گویند و والدین آن را مرحله ناراحت کننده «نه گفتن» می نامند.

اما تصور کنید، که اگر او هرگز در هیچ موردی «نه» نمی گفت، در آن صورت کودک یک موجود ماشینی می بود و شما تحت تأثیر و سوسه باطنی خود هرگز نمی توانستید با او امرانه رفتار کنید، نتیجه آن می شده هنگامی که او میخواست وارد مکتب و اجتماع شود دیگران او را فریب میدادند و او سئو استفاده میکردند، در واقع برای هیچ کاری مفید نبود.

### حس کنجکاو طفل

طفل عاشق تجسس و اکتشاف است، بهر گوشه و کناری سر می کشد بهر روزنه ی انگشت می اندازد، هر شی محرکی را جابجا می کند کتابها را از جایش بیرون می آورد، اسباب بازی خود را خراب نموده می کوشد اجسام بزرگتر را بداخل اجسام کوچکتر جا دهد والدین که به احتمال زیاد اهمیت حیاتی این مرحله از رشد کودک را تشخیص نمی دهند، او را کودکی « شوخ و ناراحت» می نامند.

کودک باید شکل و اندازه و قابلیت تحرک هر چیز را به خوبی درک کند و در یاد و همانگونه که باید صنف های ابتدایی را یکی یکی طی کند تا بتواند وارد دوران متوسطه شود، باید مهارت خود را تجربه



# یک مدیر چگونه اهدافش را معین می کند

مدیریت ماهنامه

در اهداف یک شرط کلی ترکیب آن است، ترکیب هدف هارا در پلان کلی می توان در چوکات سلسله مراتب تصور کرد. پلانهای عمومی بصورت اهداف سازمان در رأس سلسله مراتب قرار میگیرند، سپس به منظور نیل به هدف نهایی سازمان پلانهای ترتیب تقدم وتأخر در نظر گرفته می شوند و باز به منظور اجرای پلانهای تقسیم شده، پلان های جزئی تری نیز تقسیم می شوند و به همین ترتیب ادامه می یابند تا تمام پلانهای یک اداره یا سازمان، چه کلی و چه جزئی پیش بینی و تعیین گردند.

برای مثال؛ بیکی از پلانهای معروف جهان می توان اشاره کرد در بهار سال ۱۹۶۱ میلادی جان. اف. کینیدی رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام داشت : «من اعتقاد دارم این ملت باید تعهد کند که قبل از انقضای سال ۱۹۷۰ شخصی را به کره ی ماه بفرستد و صحیح و سالم اورا به زمین بازگرداند» ، با توجه به این هدف کلی، سازمان ناسا تجهیز شد و پلانهای پرواز مرکوری، جمینی و آپولو طراحی گردید، همچنین برای هریک از این برنامه ها، برنامه هایی دیگری نیز تنظیم گردید.

کلیه این برنامه هارا می توان بر اساس تقدم وتأخر زمانی و همچنین از جهت نظری و عملی بودن، در قالب ترکیبی به شکل سلسله مراتب در آورد.

تقسیم هدف غایی به هدفهای جزئی، خطر منازعات را بوجود می آورد مثلاً؛ ممکن است هدف قسمت تولید این باشد که پائین آوردن کیفیت کار و بالا بردن میزان تولید، قیمت واحد کالا را پائین بیاورد، ولی قسمت فروش برعکس می خواهد بهترین نوع کالا تهیه و برای فروش در اختیار آن قسمت گذاشته شود.

مثلاً؛ بطور طبعی هریک از قسمت های اداره هدف خورا بالا تراز قسمت های دیگر میداند، مهم ترین وظیفه مدیر در واقع حل این معما یا ایجاد نوع هماهنگی بین قسمت های مختلف است.

پس به این نتیجه میرسیم که اولویت بندی در اهداف، با در نظر داشت زمان و ترکیب جزئیات همه هدفها تعلق میگیرد به مدیریت یک اداره یا سازمان وهم خلاقیت شخص مدیر که چگونه منازعات داخل اداره را که بر سر اهداف بوقوع می پیوندد حل و فصل نماید واز جانبی مدیر چگونه باید رفتار نماید تا زیر مجموعه هایش با وحدت عمل در تطبیق پلان فعالیت مستمر داشته باشند.

باشنسنبانیه باشید در بخش مدیریت

پلان با تحلیل و تجزیه هدفهای شروع می شود که اساس سازمان ( نهاد ) به منظور نیل به آنها پایه گذاری شده است، هدفها باید حد اقل از جهات اولویت، زمان و ترکیب مورد بررسی قرار گیرد.

اولویت چیست؟ منظور از اولویت هدفها این است که در زمان معین نیل به هدف خاص، بطور نسبی، مهم تر از هدف های دیگر است، برای مثال ممکن است ایجاد انکشاف صنایع سنگین در زمان خاص بطور نسبی مهم تر از انکشاف صنایع دستی باشد، یاد رک سازمان آموزشی مانند پوهنتون، بالا بردن کیفیت کار رشته های موجود، شاید در زمانی از ایجاد رشته های جدید، مهم تر باشد و گاه برعکس، یعنی در زمان دیگر موقعیت ایجاد نماینده هدف اولیه، ایجاد رشته های جدید باشد.

در بعضی مواقع اهمیت هدفی در مقایسه با بقیه مهم تر است و این اهمیت چندان با زمان ارتباط ندارد، بطور مثال؛ بقای سازمان همیشه بر دیگر هدفهای سازمان اولویت دارد، رهبری سازمان نه تنهای بقای خویش را در اولویت قرار میدهد، بلکه وجود کارکنان صادق و وفادار برای سازمان یک نیروی محرکه قوی است که در رأس اهداف آن قرار دارد.

بهر صورت برای تعیین هدف زمان خیلی با ارزش است، زمان است که ارزش آن تا کنون تعیین نشده و بالاتر از هر چیزی ارزش دارد یک مدیر مدبر بطور کامل هدفها را از نظر زمان به سه دسته تقسیم می کند اهداف کوتاه مدت، میان مدت و اهداف بلند مدت، هدف های کوتاه مدت، اهدافی هستند که زمان آن از یک سال تجاوز نمی کنند، بطور مثال؛ پلان یک ساله شاروالی برای اسفالت جاده های معینی در شهر فیروز کوه برای کوتاه مدت است، پلان یا برنامه پنج ساله کشور که وزارت پلان آنرا ترتیب می نماید مثال خوبی برای پلان های میان مدت کشور است، اما در روال کنونی پلانهای بیست ساله وزارت زراعت و با وزارت آب و برق از جمله پلانهای دراز مدت است که برای هربخش آن استراتژی های یک ساله و سه ساله ساخته می شود.

تفکیک پلانهای مختلف از جهت عامل زمان، جنبه تصویری دارد و گرنه یک پلان کلی و جامع، معمولاً مشمول هر سه نوع می شود مثلاً؛ پلان یک ساله وزارت زراعت در قالب پلان پنج ساله و جزء از آن محسوب می شود و پلان پنج ساله هم کاملاً اهداف کلی پلان بیست ساله را دنبال می کند.

باید یاد آور شد که پلان هر قدر کوتاه مدت باشد، از جهت اجرا مشخص تر است و معمولاً پلانهای میان مدت و دراز مدت با توجه به تحولات پیش بینی نشده ی آینده شامل تغییراتی می شوند.







# SHANSABANEYA



فیروز کوه زمستان ۱۳۹۴

Email: [hazinyar.gjcf@gmail.com](mailto:hazinyar.gjcf@gmail.com)

Mobile: 0799237579